

در دفاع از آزادی بیان و در محکومیت یورش سبعمائ ارتجاع اسلامی به روزنامه "افغانستان اکسپرس"

به تاریخ ۲۳ میزان ۱۳۹۳ / ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴، روزنامه افغانستان اکسپرس در صفحه (عقیده) مقاله پی از ا.ج. اهورا، را به زبان انگلیسی تحت عنوان "اسلام طالبان و دولت اسلامی (ISIS)"، به نشر سپرده است. نویسنده در آغاز این نوشته به تشابه پرچم های طالبان و دولت اسلامی (داعش قبلی) و موجودیت (لا اله الا الله محمد رسول الله) بر روی هر دو آن ها پرداخته و به درستی به عدم برده باری مسلمانان در تحمل عقاید دیگران و انتقاد از اسلام اشاره شده است. در ادامه مقاله در سخنی با "خدا" که خودش را قادر مطلق دانسته و در هر زمان که اراده کند میتواند قادر به انجام هر عملی باشد، از او میپرسد که چگونه در برابر جنایات تبهکاران دولت اسلامی که با توسل به احکام خدا جنایات شان را توجیه میکنند، خاموش نشسته است؟ در اینجا او با اشاره به پارادوکس (قادر بودن و منفعل بودن در برابر جنایات گروه های اسلامی پی که گویا خلاف اراده و میل اوست)، به این نتیجه میرسد که خدا قادر به پایان دادن به جنگها نیست، و انسانها بدون توسل به خدا نیز میتوانند به "نتیجه" برسند.

در پی انتشار این مقاله، دولت اسلامی- قومی افغانستان به رهبری اشرف غنی احمد زی و عبدالله عبدالله، علی الرغم ادعا های کاذب دال بر حرمت آزادی اندیشه و بیان، ماهیت ارتجاعی شانرا به نمایش گذاشته و جنایتکارانی چون عبدالرب رسول سیاف و مجمع دیگری از جنایتکاران و اراکین ریز و درشت دولت پوشالی، شمشیر تکفیر از نیام بر کشیده و خواهان به بند کشیدن تفکر و قلم نقاد گردیدند. سیاف مسؤولان روزنامه را مرتد و کافر خوانده و شورای وزیران دولت پوشالی نیز خواستار بازداشت مسؤولان روزنامه شده است.

عربده کشی ارتجاع اسلامی در حفظ قدسیت اسلام چیز تازه پی نیست. زیرا آنها آگاهانه و از زمانه های دور از ابزار دین برای از خود بیگانه گی انسانها و به انقیاد کشیدن ذهنیت آحاد جامعه استفاده کرده اند. خدشه دار شدن قدسیت مذهب آغازی است برای پایان یافتن هژمونی فرهنگی، سیاسی و مهمتر از همه اقتصادی آنها. به این دلیل آنها با لجام گسیخته گی در دفاع از دین، و مشخصاً از اسلام، بر میخیزند.

این یورش ارتجاع اسلامی و نماینده گان بورژوازی در حریم آزادی اندیشه و بیان و همدستی نهاد هایی مدنی مانند (نی - نهاد حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان)، که انتشار مطالب ضد دینی و اسلامی در مطبوعات افغانستان را تلاش نوسنده گان آن ها برای کسب اجازه اقامت در کشورهای خارجی میداند، نشان میدهد که در یک جامعه طبقاتی همه نهاد های آن مهر طبقاتی خورده و در خدمت منافع طبقه مشخصی اند. آنگاه که بورژوازی از آزادی سخن گفته و در صدد "دفاع" از آن بر آمده است، منظور آزادی عمل اقتصادی و سیاسی فرد بورژوا است نه آزادی جامعه. تلاش آنها فقط برای خزیدن در موقعیت بهتری است نه برای تغییر.

تصور دیگری که در این یورش ترک بر میدارد، باور و توهم "روشنفکران" به تفاوت میان تحصیلکرده گان غرب که مربوط قشر الیت های بورژوازی اند و رهبران سنتی مذهبی، میباشد. اشرف غنی احمدزی مانند سلفش کرزی در اولین سخنرانی اش بعد از احراز پُست ریاست جمهوری، تأکید نمود که فاصله بین دولت و مسجد را از میان بر میدارد. همچنان با کرنش در برابر مرتجع ترین رهبر جهادی، یعنی مجددی، عملاً نقش و اراده مردم را نادیده گرفته و با اظهار این گفته: "که در صورت بروز خطایی از او، مجددی گوش او را خواهد کشید" عملاً از مردم و اراده آنها سلب صلاحیت نمود.

فُسیل های مذهبی و مدافعان دین در فقدان یک تشکل منسجم و رزمنده کارگری است، که میتوانند ذهنیت های عصر حجر خود شان را نماینده ذهنیت افراد جامعه جا بزنند. گذشته جنبش های اسلامی در تبانی با سرمایه گواه آن است که اگر نیرو های مترقی و آزادی خواه

بر آنها لگام نزنند، بدون کمترین ترحمی تمام جامعه و هستی آن را به نابودی و انحطاط می کشانند. سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان با اعتقاد به اصل آزادی بی قید و شرط بیان و عقاید در ضمن محکومیت این تشبیه نیروهای ارتجاعی در قامت حاکمیت کنونی، از نویسنده و مسئولین نشریه "افغانستان اکسپرس" و حق و حرمت شان دفاع می نماید. بر جنبش آزادی خواه، بشریت مترقی و در پیشاپیش آنها بر جنبش سوسیالیستی کارگری است که در ضمن افشای ماهیت ارتجاعی "دولت وحدت ملی"، که چیزی نیست جز مجمعی از مرتجعترین نیروها و باورها، و حامیان جهانی آنها در کمپ ارتجاع بورژوا- امپریالیستی، قاطعانه از آزادی بیان دفاع نموده و این قلدری و عربده کشی ارتجاع اسلامی را بدون پاسخ نگذارند.

شورای مرکزی سازمان سوسیالیستهای افغانستان

۲۵ اکتبر ۲۰۱۴